

راز قتل مادر میانسال سر به مهر ماند



ناکامی پلیس برای دستگیری عامل قتل زن میانسال موجب شد تا دختران مقتول در خواست دبه از بیت‌المال را مطرح کنند. به گزارش خبرنگار ما، پاییز سال ۹۱، مأموران پلیس از قتل زن ۴۷ساله به نام افسانه در منزل مسکونی‌اش واقع در شهرک غرب باخبر و راهی محل شدند. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، در بررسی از محل حادثه مشخص شد عامل قتل به انگیزه سرقت بعد از قتل زن میانسال و بستن دست و پای دختر او، عابر بانک و یک دستگاه خودروی ۲۰۶مقتول را همراه وجه نقد سرقت کرده و از محل گریخته است.

به این ترتیب کار آگاهان پلیس تحقیقات فنی خود را در این زمینه آغاز کردند و چند نفر را به عنوان مظنون پرونده تحت بازجویی قرار دادند، اما از آنجائیکه مدرکی علیه آنها به دست نیامد همگی تیر نه و آزاد شدند.

با گذشت شش سال از حادثه و ناکامی پلیس در شناسایی و دستگیری عامل قتل، اولیای دم با نوشتن لایحه از دادگاه در خواست دبه از بیت‌المال کردند. با این درخواست پرونده به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و صبح دپروز مقابل هیئت قضایی در ریاست قاضی زار قرار گرفت.

بعد از اعلام رسمیت جلسه، یکی از دختران مقتول که شب حادثه در خانه حضور داشت، گفت: «درخواست دبه از بیت‌المال دارم، اما در صورت تیکه عامل قتل شناسایی و دستگیر شود، با پرداخت تقاضای دبه می‌خواهم قصاص شود.» دختر جوان در توضیح شب حادثه نیز گفت: «در آن سال‌ها دانشجو بودم و در شمال کشور تحصیل می‌کردم. روز قبل حادثه به تهران آمده بودم تا به مادرم که قصد اسباب‌کشی داشت کمک کنم. آن شب مادر بزرگم خانه ما بود و بعد از کمک به من و مادرم به خانه‌اش رفت. بعد از رفتن مادر بزرگم، مادرم بیرون رفت و چند کارتن خالی برای اسباب‌کشی خرید و به خانه برگشت. بعد از خوردن شام به اتاقم رفتم و طبق عادت در اتاقم‌را قفل کردم و خوابیدم. در خواب عمیق بودم که صدای در آمد. فکر کردم مادرم هست به همین دلیل داد زدم و گفتم مادر تحمل کن الان در باز می‌کنم. تا به خودم بچنیم سایه سنگینی بالای سرم احساس کردم. وقتی بر گشتم دیدم مرد جوانی بالای سرم ایستاده است و با چاقو مرا تهدید می‌کند که ساکت باشم.»

دختر جوان ادامه داد: «اتاق تاریک بود و من او را نمی‌دیدم که یکباره چاقو کشید و گفت اگر سرر و صدا کنم مرا خواهد کشت. بعد خواست تا کلید گاو صندوق، سویچ پژو ۲۰۶ و رمز کارت عابر بانک مادرم را به او بدهم. بعد از آن مرد ناشناس شروع به بدگویي از مادرم کرد. از ترس حرفی نزد م و بعد سویچ و رمز عابر بانک را دادم و وقتی سراغ مادرم را گرفتم گفت: نگران نباش، فقط کمی او را با چاقو خط خطی کردم. از دلهره متوجه نشدم با ضربه چاقوی مرد جوان زخمی شده‌ام بعد از آن بود که بعد از دست و پایم را با شال بست و گریخت. به محض اینکه متوجه شدم او با ماشین از پارکینگ خارج شده است تلاش کردم و دست‌هایم را باز کردم و بلافاصله خودم را به مادرم که در اتاق دیگر بود، رساندم.»

دختر جوان در حالیکه گریه می‌کرد، گفت: «مادرم روی تخت افتاده‌بود و اصلا متوجه نشدم مرده است. وقتی با او حرف زدم و دیدم جواب نمی‌دهد فکر کردم بیهوش شده آنجا بود که با خانه خاله‌ام تماس گرفتم و بعد به اورژانس زنگ زدم. دقایقی بعد خاله و شوهر خاله‌ام به خانه‌مان آمدند و مرا به بیمارستان بردند که بعد از چند روز بستری در بیمارستان متوجه مرگ مادرم شدم. بعد از ترخیص، پلیس مرا هم به عنوان مظنون شش‌ماه بازداشت کرد تا اینکه بعد از مراحل بازجویی تیر نه و آزاد شدم.»

بعد از توضیحات، دختر جوان و دو دختر دیگر مقتول نیز در جایگاه حاضر شدند و گفتند: در خواست دبه از بیت‌المال داریم، اما اگر قاتل دستگیر شد در خواست قصاص داریم. دستگیر شد در خواست قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.

آتش افروزی مرگبار برای مطالبه حقوق



رسیدگی به پرونده شدند.

از آنجا که کارگر آتش افروز به علت شدت جراحات تحت مراقبت‌های ویژه پزشکی قرار داشت و امکان تحقیق از وی ممکن نبود کار آگاهان پس از بهبود نسبی راهی بیمارستان شده و از او بازجویی کردند. او گفت: مردی که در جریان حادثه

تشکیل پرونده آدم‌ربایی برای یک سگ!

زن بولددار که برای سرقت سگ گرافیمتش به اداره پلیس مراجعه کرده بود نمی‌دانست به اشتباه برای حیوانش پرونده آدم‌ربایی تشکیل می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل زن جوانی در شمال تهران سراسیمه به اداره پلیس رفت و در حالی که گریه می‌کرد، گفت که

جسیکا ی او را افراد ناشناسی ربوده‌اند.

شاکتی در حالی که گریه‌اماش را بریده بود، گفت: ساعتی قبل همراه جسیکای چهار ساله‌ام با خودروی شاسی بلندم برای خرید به یکی از پاساژهای شهرک غرب رفتم، من و جسیکا ابتدا چند ساعتی داخل پاساژ گشتم و خرید کردیم و سپس ساعتی در خیابان چرخیدیم. بعد هم به کافی‌شاپ رفتم. هنگام بازگشت به خانه متوجه شدم که یکی از وسیله‌های ضروری را نخریده‌ام به همین دلیل دوباره به پاساژ برگشتم و خودروام را پارک کردم، اما به خاطر اینکه قرار بود خیلی سریع برگردم جسیکا را با خودم نبردم و او را تنها داخل خودرو در صندلی جلو گذاشتم. دقایقی پس از خرید وقتی برگشتم با صحنه عجیبی روبه‌رو شدم و دیدم جسیکا داخل

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

آتش افروزی مرگبار برای مطالبه حقوق

تا اینکه روز حادثه دوباره سسر همان موضوع با او مشاجره کردم. آن روز ابتدا از او خواهش کردم حقوقم را بدهد تا بتوانم برای خرید اقدام کنم، اما توجه نکرد برای همین عصبانی شدم. برای یک لحظه ششم به گال بنزین که گوشه کارگاه بود افتاد و تصمیم خطرناکی گرفتم. مقداری بنزین روی خودم ریختم و تهدید به خودسوزی کردم تا شاید ظلم را بدهد. همان لحظه صاحب تولیدی، پسر خاله‌ام و چند نفر دیگر تلاش کردند تا گالن بنزین را از من دور کنند که هنگام درگیری مقداری بنزین به روی آنهار ریخت. بعد از آن درگیری به طرف اجاق گاز کشیده شد، آنجا بود که ابتدا لباس‌هایم و سپس کارگاه آتش گرفت و حادثه اتفاق افتاد.

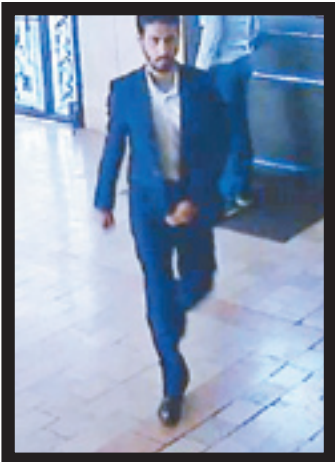
سرسرنگ کارگاه حمید مکر، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: در این حادثه سه‌مصدوم که به صورت سطحی دچار سوختگی شده بودند از بیمارستان مرخص شدند، اما عامل اصلی حادثه همچنان در بیمارستان تحت درمان قرار دارد.

تشکیل پرونده آدم‌ربایی برای یک سگ!

خودرو نیست. در حالی که شوکه شده بودم اطراف را به دنبالش گشتم که فردی به من گفت دو نفر او را از داخل خودرو ربوده‌اند.

وی ادامه داد: با اینکه وضع مالی خوبی دارم و نیازی به پول ندارم به شدت افسرده بودم، اما از زمانی که جسیکا وارد زندگی من شد تمام غم و غصه‌هایم را فراموش کردم و همیشه شاد بودم به طوری‌که او همدم من و تنهایی‌های من شده بود و زندگی‌ام با او روح تازه‌ای گرفته بود و همیشه از اینکه در شب و روز جسیکا کنار من بود احساس خوشبختی می‌کردم، اما الان که تنها شده‌ام و دوباره غم و غصه زندگی‌ام را فراگرفته است و نگران او هستم. وی در حالی که اشک پنهانی صورتش را پوشانده بود در پایان گفت: جسیکا تمام زندگی من بود و من بدون او حتی لحظه‌ای هم نمی‌توانم زندگی کنم و الان از شما در خواست دارم جسیکای مرا زودتر پیدا کنید و به من برسانید تا دوباره شادی به زندگی‌ام برگردد. پس از طرح این شکایت پرونده با موضوع آدم‌ربایی تشکیل شد و برای بررسی‌های بیشتر از پرونده از دادرسی محل به دادرسی ناحیه سرقت فرستاده شد.

مخفیگاه سارقان مسلح را به پلیس نشان دهید



خواهر زاده‌ام که در واحدهای دیگر زندگی می‌کنند و صدایمان را شنیده بودند فریاد زدند.

خواهر شاکتی هم گفت: من با شنیدن فریادهای خواهرم از آپارتمانش، پدر و مادرم را که در طبقه دیگر ساختمان زندگی می‌کنند باخبر کردم. بعد همراه آنها در دیدم که خواهرم را در یک اتاق و خواهر زاده‌ام را در اتاق دیگر حبس کرده‌بودند. یکی از آنها اسلحه‌م را در تهدید کرد و خواست جای گاوصندوق را به آنها نشان دهم. من پول و طلاهایی که داشتم به آنها دادم و هر چه گفتم که در خانه گاوصندوق نداریم به حرم‌توجه نکرد. سرانجام همه‌ما را از اتاق حبس کردند و بعد از زدن اسپری فلفل از ساختمان خارج شدند.

بعد از ثبت شکایت‌ها، کارآگاهان با بررسی تصاویر دوربین‌های مدار بسته ساختمان تصاویر دو متهم را به دست آوردند. مرکز اطلاع‌رسانی پلیس آگاهی تهران بزرگ اعلام کرد: دستور انتشار دوباره تصاویر متهمان از سوی قاضی صادر شده و شهروندانی که موفق به شناسایی تصاویر متهمان شده‌اند اطلاعات خود را از طریق شماره‌های ۵۱۰۵۵۵۰۱ و ۵۵۳۸۱۰۳۶ در اختیار کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار دهند.



تحقیقات پلیس برای بازداشت دوسارق مسلح که با گروهان گیری در ساختمانی مسکونی در غرب تهران دست به سرقت زده‌اند همچنان در جریان است. به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۱:۴۵ روز دوشنبه ۲۰ شهریورماه ۹۶ بود که به مأموران کلانتری ۱۷۸ استارخان خبر رسید سارقان مسلح به ساختمان مسکونی دستبرد زده‌اند. مأموران پلیس بعد از حضور در محل و در جریان اولین تحقیقات متوجه شدند که دو مرد حدوداً ۳۰ساله با تهدید اسلحه بیش از ۷۰ میلیون تومان پول و طلا سرقت کرده و بعد از حبس اقدام به فرار می‌کنند. مأموران وقتی متوجه فرار متهمان با خودروی پلیس می‌شوند دستور ایست می‌دهند اما سارقان بدون توجه به دستور ایست فرار می‌کنند و از محل دور می‌شوند.



قضایی همراه سارقان راهی دادرسی در جنوب تهران می‌شوند. لحظاتی بعد خودروی حامل سارقان در نزدیکی دادرسا توقف می‌کند و مأمور پلیس برای هماهنگی از خودروی خارج می‌شود و لحظاتی بعد هم سرباز بدرقه خودروی حامل سارقان برای انجام کاری خودرو را ترک می‌کند. ثانیه‌هایی بعد سارقان از فرصت استفاده می‌کنند و در حالی که هر سه دستبند به دست بودند یکی از آنها خودش را به پشت فرمان می‌رساند و با روشن کردن خودرو اقدام به فرار می‌کند. مأموران وقتی متوجه فرار متهمان با خودروی پلیس می‌شوند دستور ایست می‌دهند اما سارقان بدون توجه به دستور ایست فرار می‌کنند و از محل دور می‌شوند.

پس از تحقیقات لازم، مأموران گشتی پلیس با طرح مهار جست‌وجو برای دستگیری سارقان فراری را آغاز می‌کنند تا اینکه ساعتی بعد خودروی سرقت شده را در کنار خیابانی در جنوب تهران پیدا می‌کنند و دقایقی بعد موفق می‌شوند دو نفر از سارقان فراری را در یکی از خیابان‌های حوالی یافت‌آباد شناسایی و دستگیر کنند. تحقیقات برای دستگیری همدست سارقان ادامه دارد.

تلاش گسترده پلیسی برای یافتن ۶ کودک گمشده

قاضی محمد شهریاری، سرپرست دادرسی امور جنایی تهران از تحقیقات ویژه برای یافتن شش کودک خردسال که پس از عزیمت از شهرستان گرمسار به تهران ناپدید شده‌اند، خبر داد.

به گزارش خبرنگار ما، عصر دپروز مردی وارد دادرسی امور جنایی تهران شد و از گم شدن چهار فرزند خردسال خودش و دو فرزند خردسال برادرش خبر داد.

وی ادامه داد: من افاغنی هستم و همراه خانواده‌ام در شهرستان گرمسار زندگی می‌کنم. یکی از برادرانم در گرمسار با من همسایه است و برادر دیگرم همراه خانواده‌اش در تهران زندگی می‌کند.

ساعت ۸ شامگاه یک‌شنبه دوازدهم فروردین ماه امسال پسر ۱۲ساله‌ام به همراه برادر و دو خواهر خردسالمش با دو دختر خردسال برادرم برای رفتن به پارک از خانه‌مان در گرمسار خارج شدند و دیگر به خانه باز نگشتند تا اینکه به اداره پلیس رفتیم و شکایت کردیم. پس از جست‌وجوی فراوان متوجه شدیم که همان شب محمد، پسر ۱۲ساله‌ام به همراه ۵ساله و ۹ساله، سیده ۸ساله، موسی ۷ساله، سمیه ۵ساله و سمیره چهارساله با کرایه کردن خودرویی از گرمسار به تهران آمده‌اند. ما ابتدا فکر کردیم آنها به خانه برادرم در تهران رفته‌اند اما وقتی با



برادرم تماس گرفتیم او هم از سرنوشت آنها اظهار بی‌اطلاعی کرد.

پس از اینکه راننده را شناسایی کردیم وی به اداره پلیس احضار شد و گفت که آن شب با گرفتن ۲۲هزار و ۵۰۰تومان آنها را به تهران آورده و ساعت ۱۲شب در

میدان آقا نور در نزدیکی سه‌راه افسر به پیاده کرده و پس از آن به گرمسار برگشته است.

وی ادامه داد: من از راننده سؤال کردم که چرا در آن نیمه شب شش کودک را به تهران آورده است که در جواب گفت: من راننده هستم و وقتی آنها خودروی مرا در دست کرایه کردند من هم پس از گرفتن کرایه‌ام آنها را به تهران منتقل کردم. از آن روز به بعد مأموران تلاش زیادی برای پیدا کردن فرزندانمان انجام دادند، اما الان پس از گذشت ۹ روز هنوز خبری از آنها نیست و مأموران موفق نشدند کودکانمان را پیدا کنند. به همین دلیل الان به دادرسی امور جنایی تهران آمدم تا کمک کنند فرزندانمان را پیدا کنیم. وی در پایان گفت: راننده پس از بازجویی در اداره پلیس گرمسار با گذاشتن وثیقه آزاد شد.

قاضی محمد شهریاری، سرپرست دادرسی امور جنایی تهران به خبرنگار ما گفت: پس از طرح این شکایت بلافاصله پرونده گم شدن این شش کودک تشکیل شد و تیمی زیده از کارآگاهان اداره بازدهم پلیس آگاهی زری نظر اینجانب برای پیدا کردن سرنخی از کودکان گم شده وارد عمل شدند. به دستور قاضی شهریاری تحقیق از سازمان بهزیستی و نهاد‌های نگهداری از کودکان در جریان است. همچنین تصاویر کودکان در اختیار همه کلانتری‌های شهر قرار گرفته است.

۱۹ ضربه کلنگ به شوهر در خواب!

زنی که متهم است در شهرستان همدان شوهرش را با ۱۹ضربه کلنگ مجروح کرده بازداشت شد.
آنگونه که ایرنا گزارش داده‌است: چند روز قبل به مأموران پلیس همدان خبر رسید مردی در خانه‌اش مجروح و به بیمارستان منتقل شده است، با حضور مأموران در بیمارستان مشخص شد که این مرد با اصابت ۱۹ ضربه کلنگ در خواب هدف قرار گرفته است. همسر وی گفت: وقتی وارد خانه شدم با پیگر خونین شوهرم مواجه شده و با اورژانس تماس گرفتم. از آن جا که مجروح حادثه از سطح هوشیاری پایین برخوردار بود و امکان تحقیق از وی وجود نداشت بررسی‌ها در این باره ادامه پیدا کرد. مأموران پلیس در بررسی‌های بعدی متوجه شدند که مرد ۳۵ساله از مدت‌ها قبل با همسرش اختلاف داشته است. همسر وی وقتی بازداشت شد و مورد بازجویی قرار گرفت، گفت: شوهرم مردی بداخلاق و بدگمان بود و به خاطر همین تصمیم به قتل او گرفتم برای همین وقتی خواب بود با کلنگ به سرافش رفتم و او را هدف قرار دادم.

سرسرنگ رضا زارعی، رئیس پلیس آگاهی استان همدان گفت: تحقیقات بیشتر در این باره ادامه دارد.